روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان فاطمی، خیابان بهرام مصیری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴ و ۸۸۹۳۶۲۷۰ • نمابر: ۸۶۰۳۶۱۲۲ • تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان سبز تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۲۲ آبان ۱۳۹۹ • ۲۶ ربیع‌الاول ۱۴۴۲ • ۱۲ نوامبر ۲۰۲۰
سال هجدهم • شماره ۳۸۶۲ • ۱۲ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۱۸
اذان صبح فردا ۵:۱۲ • طلوع آفتاب ۶:۳۸

fardashargh@gmail.com

روزنامه فردا

نور نوشت

خیابان جمهوری در اولین شب کاهش ساعت کار برای مشاغل غیر ضروری/ عکس: مهدی مریزاد، فارس

تحلیل

در جریان همه‌گیری کووید۱۹

دولت چه اولویتی مهم‌تر از حفظ جان شهروندانش دارد؟

سامان توکلی
روان‌پزشک

«بیماری کووید۱۹ چیزی خفیف‌تر از آنفلوانزا است و به ایران هم خواهد رسید؛ اما نگرانی ندارد. مردم نگران نباشند. بیماری از طریق قطرات بزرگ منتقل می‌شود که به دلیل وزن‌شان خیلی زود به زمین می‌افتند و بنابراین حفظ فاصله اجتماعی و شستن دست‌ها کافی است. زدن ماسک در افرادی که علامتی از بیماری ندارند، کمکی به کنترل بیماری نمی‌کند. تقاضای انجمن‌های علمی و پزشکی در ایران برای وضع مقررات محدودیت رفت‌وآمد برای کنترل همه‌گیری، قرنطینه [در واقع همان lockdown و محدودیت رفت‌وآمد] اقدامی قرون‌وسطایی است و در این زمانه هیچ‌کس آن را توصیه نمی‌کند. اوج همه‌گیری را رد کرده‌ایم و از شنبه اوضاع کشور به شرایط عادی برمی‌گردد. تذکر و ابراز نگرانی متخصصان از شدت‌گرفتن همه‌گیری در صورت عدم وضع ضوابط برای کاهش تماس‌ها و فاصله‌گذاری اجتماعی. مردم چهارشنبه‌سوری و سیزده‌به‌در از خانه بیرون نروند، وگرنه فاجعه‌ای رخ خواهد داد. بعد از تعطیلات رسمی عید ادارات شروع به کار خواهند کرد، با رعایت پروتکل‌ها. ما به شکلی همه‌گیری را کنترل کرده‌ایم که برای دنیا الگو است. پیک دوم کرونا بر اثر بی‌توجهی مردم شروع شده است. زدن ماسک در کنترل همه‌گیری کمک می‌کند. زدن ماسک اجباری می‌شود. زدن ماسک اجباری نمی‌شود. با رعایت پروتکل‌ها، تجمعات و اجرای آیین‌ها و برگزاری کنکور مشکلی در تشدید همه‌گیری ایجاد نمی‌کند. مردم مسافرت نروند تا باعث تشدید همه‌گیری نشوند. بر اساس تصمیم مشترک وزارت بهداشت و وزارت علوم، کنکور تا زمانی که شرایط بهتری برای رعایت ملاحظات بهداشتی فراهم شود، به تعویق می‌افتد. کنکور در همان زمان قبلی خودش، با رعایت پروتکل‌ها، برگزار می‌شود. افتخار می‌کنیم که با وجود برگزاری تجمعات، به دلیل رعایت پروتکل‌ها، آمار مبتلایان و مرگ ناشی از کووید۱۹ کاهش یافته است. دورکاری‌ها ادامه خواهد یافت. با ادامه دورکاری کارکنان مخالفت شد. متأسفانه، به دلیل بی‌توجهی مردم عزیزمان به ملاحظات بهداشتی و رعایت‌نکردن پروتکل‌ها، آمار ابتلا بالا رفته و کل کشور در وضعیت قرمز قرار گرفته است».

اینها بخش کوچکی از گزاره‌هایی است که در ماه‌های اخیر درباره همه‌گیری کووید۱۹ در رسانه‌های رسمی، از قول مسئولان کشورمان نقل شده است. در برخی کشورهای دیگر هم شبیه این را دیده‌ایم؛ شاید شبیه‌تر از همه در گفته‌های حاکمان ایالات متحده آمریکا. سازمان‌های علمی و پزشکی هم دستخوش این بالا و پایین بوده‌اند. دانش ما از کروناویروس جدید کم بوده و هنوز هم کم است. رفتارش را به‌درستی نمی‌شناختیم و هنوز هم نمی‌شناسیم. دشمنی نادیدنی که با قواعد جنگی شناخته‌شده با ما وارد جنگ نشده است. همین امروز، مرکز کنترل بیماری‌ها در آمریکا نظر چند روز قبل خود را -که راه اصلی انتقال بیماری از طریق هوا است- بی‌سروصدا تغییر داد. خود آن نظر هم برعکس نظری بود که پیش از آن وجود داشت. در برخی کشورها، آمار مرگ‌ومیر ناشی از کروناویروس کمتر از واقعیت برآورد، ثبت و اعلام می‌شود. نه برای جلوگیری از آن واکسنی داریم و نه برای درمانش دارویی. در برخی ایالت‌های هند هم حتی در فردی که مبتلا به این ویروس است، اگر بیمار به دلیل علائم اصلی‌تر کووید جان خود را از دست ندهد، دلیل مرگش بیماری دیگری ذکر می‌شود. برخی کشورها از ابتدا به‌درستی و با حساسیت بالا با همه‌گیری برخورد کردند و در کنترل آن موفقیت داشتند. برخی ابتدا غفلت کردند و بعد راه خود را اصلاح کردند و بعد از مدتی توانستند نسبتا موفق باشند. برخی مدام در حال تصمیم‌های زیگزاگی هستند. موج روی موج می‌آید. یک روز به مدیریت خود افتخار می‌کنند و یک روز رعایت‌نکردن پروتکل‌ها از سوی مردم را باعث تشدید همه‌گیری ذکر می‌کنند. گاهی افتخار به مدیریت خوب و زنهار از گسترش همه‌گیری را با هم در یک روز از زبان مسئولان مختلف می‌شنویم. گاهی هم هر دو را در یک روز و از زبان یک مسئول می‌شنویم. هر روز می‌شنویم که تعدادی از افرادی که مستقیم یا با واسطه می‌شناسیم، بر اثر این بیماری جان خود را از دست داده‌اند. گویی این حلقه ازدست‌رفتگان تنگ‌تر و تنگ‌تر می‌شود. هر روز خبر درگذشت تعداد درخور توجهی از همکاران کادر درمان را می‌شنویم و هر روز و هر روز و هر روز... . بعضی از متخصصان معتقدند در مدیریت این همه‌گیری برآورد بیش از واقعیت آمار مرگ و ابتلای ناشی از آن (overestimation) بهتر از برآورد کمتر از واقعیت (underestimation) آن است. چه‌بسا، حتی نداشتن آمار بهتر از آمار نادرست و برآورد کمتر از واقعیت باشد؛ چراکه کم‌انگاری آمارها -چه ناشی از کمبود دانش و امکانات باشد و چه ناشی از ملاحظات سیاسی یا اقتصادی- باعث انکار ابعاد واقعی و جدی‌بودن این همه‌گیری خواهد شد و لطماتی به مراتب بیشتر به سلامت و جان مردم و در نهایت به تمام ارکان جامعه و بالمآل به اقتصاد نیز خواهد زد. کمبود ناگزیر دانش در زمینه بیماری‌ای که هنوز از آن کم می‌دانیم، وقتی با بی‌صبری و رقابت و چشم‌وهم‌چشمی و فخرفروشی به کشورهای دیگر، تلاش برای عادی جلوه‌دادن شرایط، اولویت‌دادن اقتصاد به سلامت و جان مردم، تصمیم‌گیری سیاست‌مداران به‌جای متخصصان، نداشتن توجه کافی به نظر متخصصان و وتوکردن آن از سوی سیاسیون تصمیم‌گیرنده، ملاحظات مسئولان مستقیم سلامت در ابراز نظر صریح و به‌طور کلی درآمیختن غلظت زیادی از ملاحظات اقتصادی به موضوع سلامت ترکیب شود، حاصلش خواهد شد حکمرانی بد در مدیریت همه‌گیری کووید۱۹. همه‌گیری کووید۱۹ در وهله اول و بیش از همه یک بحران بزرگ سلامت است. مدیریت آن بیش از همه نیازمند اتکا به متخصصان این حوزه است. جامعه بیمار، جامعه‌ای است که تعداد زیادی از افراد خود را از دست داده باشد. جامعه‌ای که بخش بزرگی از آن سوگوار شود، نمی‌تواند چرخ اقتصاد را بگرداند. ای‌کاش تصمیم‌گیران بپذیرند که در بحران همه‌گیری کووید۱۹ سلامت را نباید چنان با سیاست درآمیخت و به آن گره زد که در حاشیه قرار بگیرد. ای‌کاش آنان که نفوذ کلام و جایگاه اقتدار دارند، این امر را با قطعیت و قاطعیتی، چنان‌که بایسته است، «برای مسئولان و مجریان» روشن کنند که کرونا را دست‌کم نگیرند.

حفظ سلامت شهروندان وظیفه دولت است. به‌راستی در بحبوحه همه‌گیری کووید۱۹ و ازدست‌رفتن هرروزه جان تعداد زیادی از مردم، دولت چه وظیفه و اولویتی بالاتر از حفظ جان شهروندانش دارد.

روزگار کرونایی

خطر داروهای گیاهی را جدی بگیرید

با وخامت اوضاع و افزایش بیماران کرونا هشدارها بیشتر شده است و نگرانی‌ها بابت ابتلای شدید به این ویروس مرگ‌بار افزایش یافته است، در نتیجه دستورات جدید داده می‌شود. درواقع کشف واکسن کرونا به ایران نمی‌تواند کمکی کند و فعلا تنها راه نجات رعایت بیشتر است. آن‌قدر باید فاصله‌گذاری اجتماعی را رعایت کنیم تا بنیان این بیماری برداشته شود. مثلا توجه به این دستور جدید دکتر مردانی، عضو ستاد ملی مقابله با کرونا که گفته است: «درپی شیوع کرونا برخی زدن مشت‌ها و آرنج‌ها به یکدیگر را جایگزین دست‌دادن کرده‌اند، این دو حرکت بسیار اشتباه است و باعث انتقال ویروس کرونا می‌شود». یکی از مهم‌ترین توصیه پزشکان برای جلوگیری از انتقال ویروس کرونا به یکدیگر، رعایت فاصله فیزیکی است؛ درحالی‌که در دست‌دادن با مشت یا زدن آرنج دست‌ها به یکدیگر نه تنها این موضوع نادیده گرفته می‌شود، بلکه این‌گونه ارتباط نیز موجب انتقال ویروس از فردی به فرد دیگر خواهد شد. همچنین برخی باورهای نادرست درباره گیاهان دارویی، داروهای گیاهی و طب سنتی به‌ویژه در دوران همه‌گیری بیماری کووید۱۹ می‌توانند پیامدهای ناگواری برای سلامت عمومی داشته باشد. به همین دلیل وزارت بهداشت درباره برخی باورهای نادرست در مورد گیاهان دارویی و طب سنتی و مکمل شامل موارد ذیل بیانیه‌ای داده است که برخی از آنها در ادامه می‌آید:

- گیاهان دارویی و داروهای گیاهی بدون عارضه هستند.
- مصرف گیاهان دارویی با داروهای شیمیایی مشکلی ایجاد نمی‌کند.
- طب سنتی به تنهایی می‌تواند همه بیماری‌ها را درمان کند.
- مصرف زیاد خوراکی‌های گرم مانند سیر و زنجبیل مانع ابتلا به عفونت ویروسی می‌شود و هرچه بیشتر مصرف شود، بهتر است.
- حجامت و زالودرمانی در همه افراد در پیشگیری و درمان بیماری مؤثر است.
- داروهای گیاهی و درمان‌های طب سنتی را می‌توان خودسرانه و بدون مشورت یا نظارت پزشک مصرف کرد.
- دوددادن محیط در پیشگیری از آلودگی به ویروس برای همه مؤثر است.

همه این موارد جزء باورهای نادرست هستند.

سلام به فردا

عادت می‌کنیم، حتی به مرگ قابل پیشگیری

سیمین کاظمی

مرگ قطعی‌ترین بخش زندگی هر موجود زنده است، از این رو شاید پرسش از «عادی‌شدن» مرگ بیراه بنماید. از منظری دیگر، چون مرگ امری قابل پیشگیری و به تعویق‌انداختن است، اگر اقدامی صورت نگیرد و باز هم مرگ عادی انگاشته شود، آن وقت است که چنین وضعی حیرت‌افزا و عجیب به نظر می‌رسد. با برآمدن پزشکی مدرن و بهبود سطح زندگی، مرگ بیشتر از پیش به تعویق انداخته شد. مرگ‌هایی مثل مرگ‌ومیر کودکان زیر یک سال و مرگ‌ومیر مادران باردار کاهش یافت که اکنون از شاخص‌های توسعه کشورها به شمار می‌آیند. علاوه بر این مرگ‌ومیر ناشی از بیماری‌های عفونی با واکسن و آنتی‌بیوتیک کاهش یافته و بیماری‌های بسیاری اگرچه مزمن می‌شوند ولی قابل کنترل‌اند و به مرگ ناگهانی نمی‌انجامند. پزشکی نشان داد مرگ قابل پیشگیری است و زندگی را می‌توان طولانی‌تر کرد و از این رو شاخص امید به زندگی به ادبیات سلامت افزوده شد که اکنون متوسط سال‌هایی که بشر می‌تواند عمر کند، بیش از پیشینیان اوست. با وقوع همه‌گیری بیماری کروناویروس جدید و مرگ‌باربودنش وحشت عمومی از بیماری‌ای که در تعاملات عادی روزانه قابل سرایت است، جهان را فرا گرفت و سایه مرگ بر فراز زمین، جان‌های بسیاری را به یغما برد. مرگ ناشی از بیماری که امری قابل پیشگیری به نظر می‌رسید، از کنترل خارج شد و سرعت شیوع بیماری چنان بود که در پیشرفته‌ترین سیستم‌های پزشکی جهان نیز کاری از پزشکان ساخته نبود. واقعیت هم آن است که دانش پزشکی اگرچه در مواجهه با بیماری‌های عفونی باکتریال موفق عمل کرده و قادر به درمان بسیاری از آنهاست، اما در مواجهه با بیماری‌های عفونی ویروسی چون موفق به درمان قطعی نشده، عمدتا متکی به پیشگیری از طریق واکسیناسیون و توصیه‌های بهداشتی بوده است. در همه‌گیری کووید۱۹ به عنوان یک بیماری ویروسی، به جهت نوپدیدبودن این ویروس، هنوز در ساختن واکسن توفیقی حاصل نشده است؛ از این رو تا زمان تولید انبوه واکسن، تنها راه‌حلی که پزشکی می‌تواند برای جلوگیری از شیوع این بیماری و مرگ‌های ناشی از آن داشته باشد، اقدامات پیشگیرانه سطح کلان مانند کاستن از تعاملات اجتماعی، تعطیلی شهرها و قرنطینه و اقدامات فردی مثل ماسک‌زدن و شست‌وشوی دست‌ها و حفظ فاصله فیزیکی است. در برخی از کشورها که این نکته به درستی درک شد، همه‌گیری کووید۱۹ به‌طور نسبتا موفقیت‌آمیزی کنترل شد و گاه آمار مبتلایان به صفر رسیده است.

در ایران اما در مقطعی که از آن به عنوان موج سوم کرونا نام می‌برند، میزان ابتلا به بیماری به‌طور فزاینده بیشتر شده و رقم‌های جان‌باختن بیماران که مرگ‌شمار وزارت بهداشت هر روز اعلام می‌کند، از موج اول بیماری بیشتر شده است. با وجود خیل عظیم مبتلایان روزانه و افزایش تعداد بیماران بدحال و تعداد حیرت‌انگیز مرگ‌ومیر روزانه، اقدامی که متناسب با چنین وضع نگران‌کننده‌ای باشد اتخاذ نمی‌شود. اینجاست که این پرسش به ذهن متبادر می‌شود که آیا مرگ‌ومیر ناشی از کرونا عادی شده است؟ آنچه در پاسخ به این پرسش تعیین‌کننده است، نوع واکنشی است که به اخبار مرگ نشان داده می‌شود. در مورد افراد ممکن است انتظار بر این باشد که با شنیدن خبر افزایش مرگ‌های ناشی از کرونا، توصیه‌های بهداشتی را به‌طور جدی‌تر اجرا کنند و مواظب باشند که بیمار نشوند. اما واقعیت این است که شرایط همه‌گیری متفاوت از شرایط عادی است و تا وقتی دولتمردان بیماری را جدی نگرفته باشند و زمینه‌های کنترل بیماری را فراهم نکرده باشند، کنش‌های فردی چندان مؤثر نخواهد بود. در این مورد حتی میزان جدی‌گرفتن بیماری توسط افراد هم متأثر از جدیت دولت در مواجهه با همه‌گیری خواهد بود.

بنابراین می‌توان گفت آنچه به عادی‌شدن کووید و مرگ منجر شده، رویکرد سطح کلان به این وضعیت است که اگرچه بنا بر اعلام وزارت بهداشت روزانه بیش از ۴۰۰ نفر (و بنا بر روایت‌های دیگر دو تا سه برابر این تعداد) نفسشان به شماره می‌افتد و می‌میرند، ولی به‌جای اقدامات پیشگیرانه مؤثر، مسئولیت بیماری و مرگ بر دوش افراد گذاشته می‌شود و به‌جای تلاش برای خروج از بحران، از بی‌توجهی مردم شکایت می‌شود. در این رویکرد آسیب‌زا «خودمراقبتی» به عنوان راهکار اصلی مقابله با همه‌گیری برکشیده و بزرگ‌نمایی می‌شود تا این واقعیت زیر آن پنهان شود که کنترل همه‌گیری و تأمین سلامت همگانی از امور حاکمیتی است و در این مورد آن‌طور که می‌بایست اقدام جدی و مؤثر صورت نگرفته است. مسامحه در حوزه پیشگیری که به افزایش مبتلایان انجامیده اکنون اثرات خود را در حوزه درمان نیز آشکار کرده است، به طوری که بیمارستان‌ها جایی برای پذیرش و درمان موارد جدید بیماری ندارند و بسیاری از بستری‌شدن در بیمارستان‌ها محروم می‌شوند یا وقتی پذیرش می‌شوند که کار از کار گذشته است و باید به جدال با مرگ بروند؛ مرگ‌هایی که می‌توانست اتفاق نیفتد اما حالا خبرش جزئی از اخبار روزانه شده است.

کوتاه سخن اینکه مرگ ناشی از کرونا هم اندک‌اندک عادی شده، همان‌طور که پیش از این مرگ در سوانح جاده‌ای، مرگ کارگران در محیط کار، مرگ زنان به علت خشونت خانگی و مرگ... عادی شده است؛ گویی «در سایه نشسته است به ما می‌نگرد»، بدون اینکه به صرافت بیفتیم که همه این مرگ‌ها قابل پیشگیری هستند، با اقدامات و تدابیر مناسب.

پرنده آبی

سوگواری برای سینما پارک

کاربران افغانستانی با هشتگ #سینما_پارک به تخریب یکی از قدیم‌ترین سینماهای کابل اعتراض کردند؛ اما اعتراض آنها نتوانست حریف بیل‌های مکانیکی و دستگاه‌های تخریبی شود که دیوارهای این سینمای خاطره‌انگیز برای افغانستانی‌ها را دیروز فروریخت. اعتراض سینماگران، هنرمندان و شهروندان افغانستانی چند روزی بود که در پی جدی‌شدن تصمیم برای تخریب این سینما در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شده بود؛ اما سرانجام ساختمان این سینما به دست شهرداری کابل و به دستور امرالله صالح، معاون‌اول رئیس‌جمهوری افغانستان، تخریب شد. صحرا کریمی، رئیس اداره افغان‌فیلم افغانستان، ازجمله چهره‌هایی بود که برای جلوگیری از تخریب آن در داخل این سینما تحصن کرد؛ اما نیروهای پلیس به زور او را بیرون آوردند. صحرا کریمی امروز با نشر یک تصویر از تخریب سینما پارک در صفحه فیس‌بوک خود نوشت: ویرانت کردند و تو فروریختی! صحرا کریمی پیش‌تر در حساب‌های شبکه‌های اجتماعی خود تصاویری از حضور خودش در داخل ساختمان قدیمی سینما را منتشر کرده و نوشته بود: «من داخل هستم و سینما را سر من خراب می‌کنند» و ساعتی بعد هم در توییتر خود نوشته بود: «مرا به زور پلیس با فرمان امرالله صالح از داخل سینما بیرون کردند؛ سر من حمله کردند و سینما را ویران کردند». او در ادامه نوشته: «شب بود، تاریک و سقوط تو در هیاهوی خفاشان شب گم شد. به تو حمله کردند، تجاوز کردند، دریدند تو را؛ و تو حتی نتوانستی خودت را از این همه فروریختن نجات دهی، ای حافظه شهر خسته کابل. تو را دوست نداشتند دیگر؛ معشوقه‌های دیگری یافته‌اند. ویرانی‌ات تسلیت». فرهاد دریا، هنرمند پرآوازه افغانستان نیز پس از تخریب سینما پارک با ارسال دومین نامه سرگشاده به امرالله صالح نوشت: «نوستالژی ما سینمای پارک و سینماهای پارک نیست؛ صدها سینما قربان سرتان! حتی بودای بلندقامت هم نوستالژی ما نبود! قربان سر آن دیگران! نوستالژی ما گریه‌هایی است که یک عمر در گلوی «صحرا»ها تلنبار شده‌اند... نوستالژی ما هویتی است که برادران هم‌خون، تلاش دارند آن را از ما بگیرند!». امرالله صالح، معاون نخست ریاست‌جمهوری افغانستان، امروز در صفحه رسمی فیس‌بوک خود با اشاره به این واکنش‌ها نوشته: «نوستالژی‌ها و خاطرات همه قابل درک و احترام است. تعدادی از حافظه جمعی یاد کرده‌اند. ما به حافظه جمعی نو نیز نیاز داریم و باید از فضاهای موجود استفاده حداکثری و مطابق به خواست فرهنگی و تمدنی ما صورت گیرد». او در ادامه گفته که برای نظریات شما ارج قائل هستیم و درعین‌حال لحظه‌هایی می‌رسد که کفایت و کارایی مهم‌تر از محبوبیت و عوام‌گرایی است. امرالله صالح از فرهنگیان خواسته نظر بدهند تا با طرح بدیل «ساحه خالی‌شده از سینمای در حال فروریزی پارک، شهر نو را پر کنیم». به گفته او سینما پارک که ساختمان چوب‌پوش بود، فرسوده شده و قابل ترمیم نبود و از دید فضا امکان استفاده آن با مقاصد امروز نیز وجود نداشت. در صفحه فیس‌بوک آقای صالح آمده که شهرداری کابل طرحی در این زمینه دارد و قرار است این طرح در مشورت با تمام نهادهای فرهنگی و مهندسی اجرائی شود. شهرداری کابل پیش از این گفته که تعمیر این سینما پس از تخریب دوباره با معیارهای جدید به‌عنوان یک مکان فرهنگی ساخته می‌شود. سینما پارک در دهه‌های ۶۰ و ۷۰ میلادی که افغانستان کم‌وبیش رنگ آرامش را دیده بود، یکی از نمادهای کابل بود که بعدها با جنگ‌های داخلی به مرور کم‌رونق شد و استقرار طالبان در افغانستان کاملا آن را نابود کرد. حتی بازگشایی بعد از رفتن طالبان هم کمکی به بهبود وضعیت این سینما نکرد تا اینکه سرانجام شب گذشته این سینما تخریب شد.

اتفاق

نیاز به اهدای خون

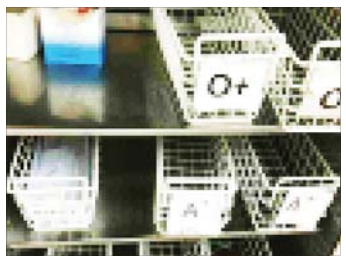

شاید از آغاز دوران کرونا تاکنون این چندمین‌باری باشد که موضوع کمبود خون مطرح شده است و بیمارستان‌ها اعلام نیاز کرده‌اند و بسیاری از پزشکان و دست‌اندرکاران بهداشت و درمان از خالی‌بودن ذخیره‌های خونی بیمارستان‌ها در شبکه‌های اجتماعی می‌نویسند.

بنا بر گزارش ایسنا برای اطمینان خاطر شهروندان از سلامت و ایمنی محیط مراکز اهدای خون تمام موارد استاندارد در مراکز انتقال خون برای پیشگیری از انتشار ویروس کرونا رعایت می‌شود و جای هیچ‌گونه نگرانی برای اهداکنندگان وجود ندارد. ضمن اینکه هنوز هیچ مورد ابتلا به کرونا از طریق خون و فراورده‌های آن ثبت نشده است.

البته ۲۰ درصد خون‌های اهدایی به مصرف بیماران تالاسمی و بیماران خاص می‌رسد که به این هدیه نجات‌بخش نیاز مستمر دارند.

از طرفی خون و فراورده‌های آن عمر محدودی دارند و خون کامل ۳۵ روز و پلاکت تنها سه روز ماندگاری دارد و بدین لحاظ همه‌روزه نیاز به اهدای خون در کشور احساس می‌شود.

با این حال هنوز این کمبود وجود دارد؛ به‌گونه‌ای که یکی از پزشکان نوشته بود: «تومور مغز فقط با یک واحد خون رزرو نخوابوندی که انتخابات و ترامپ از یادت بره. وضع ذخایر خونی واقعا بده و نمی‌شه مدام عمل مریض‌ها رو کنسل کرد. استرس اضافه بی‌خونی رو هم باید تحمل کنیم این روزها. قبل عمل راه می‌افتیم از پرسنل گروه خونشان را می‌پرسیم که اگر لازم شد، ازشون خون بگیریم به مریض بزنیم». دیگری هم نوشته: «کمبود خون باعث لغو کلی از عمل‌ها شده. به علت ترس از کرونا اهدای خون خیلی کم شده».

یکی دیگر روایت کرده است: «چهارشنبه بابای من وارد اتاق عمل شد و بعد از اون باقی عمل‌ها همه کنسل شدن. مریض‌هایی که از شهرستان اومده بودن عصبانی بودن اما مسئولان بیمارستان هم می‌گفتن ما خون نداریم. نمی‌تونیم عملی رو شروع کنیم».

یکی از افرادی که اهداکننده خون است، تجربه خودش را نوشته بود: افراد بین ۱۸ تا ۶۰ سال امکان دادن خون را دارند و معمولا باید کارت شناسایی همراه فرد باشد. اگر یک سال از تتو و زالو گذشته باشد، به راحتی می‌شود خون داد؛ البته درباره ارتباط جنسی نیز می‌پرسند. سؤال‌هایی در مورد مصرف الکل، دخانیات، مواد مخدر، حتی در معرض دود گل و... بودن و سؤال‌هایی در مورد سفرهای اخیر که اگر در ایران (شامل بلوچستان، هرمزگان، بندرعباس و...) باشه باید حتما یک سال ازشون گذشته باشه، چون اون منطقه اندمیک بیماری مالاریاست و شما ممکنه خونتون آلوده به ویروس باشه.

هر کسی می‌تواند در سال چندین بار خون بدهد. هرچند سازمان انتقال خون ترجیح می‌دهد با افرادی که پیش‌تر نیز خون داده‌اند، همکاری کند. یکی از کاربران نوشته بود: «از سازمان انتقال خون زنگ زدن که بیمار سرطانی داریم و نیاز فوری به پلاکت گروه خونی‌ات داریم. سریع خودت رو برسون». این واقعیتی است که انگار «بانک خون دیگه خون نداره» حتی مواردی شده است که برای عمل «دو نفر از طرف شخص رفتن سازمان انتقال خون، خون دادند بعد بیمارستان اجازه عمل داد».

عکسی که یکی از پزشکان از کمبود خون در بیمارستان منتشر کرده بود بسیار واکنش‌برانگیز بود.

در همه سال‌ها ایران جزء کشورهایی بوده که ذخایر خونی خوبی داشته است، هرچند سهم زنان در این میان تنها پنج درصد بوده؛ چراکه این تصور وجود داشته که بانوان فکر می‌کنند که کم‌خون هستند و اهدای خون سبب ضعف آنها می‌شود، اما طبق مستندات تنها ۲۰ درصد بانوان دچار کم‌خونی هستند و تست هموگلوبین و مشاوره با پزشک اهدا سبب می‌شود این افراد از اهدای خون معاف شوند. یکی از استان‌های به‌شدت مورد نیاز استان کرمان است که ۱۰ درصد بیماران تالاسمی کشور را در خود جای داده است و بخش درخور توجهی از این بیماران در جنوب کرمان زندگی می‌کنند. ازدواج‌های فامیلی در جوامع محلی، عدم انجام آزمایش‌های قبل از ازدواج و مشکلات ژنتیکی موجب شده در برخی از شهرستان‌های جنوبی کرمان شیوع تالاسمی چشمگیر باشد. از سوی دیگر وجود بیماران ترومایی به‌خصوص بروز تصادفات رانندگی در استان کرمان نیز بخش قابل توجهی از منابع خونی استان کرمان را به خود جذب می‌کند.

دراین‌باره محمد اقبالی، فوق‌تخصص خون به مهر می‌گوید: «متأسفانه در حالی کرونا برای خانواده‌های تالاسمی به استرسی دائمی تبدیل شده است که اگر کودکانمان دچار کرونا شوند دچار مشکل جدی می‌شوند و اگر خون هم به بیمارانی مانند کودک من تزریق نشود، سطح هوشیاری آنها کاهش می‌یابد و جانشان تهدید می‌شود».

وی از مردم خواست با مراجعه به مراکز اهدای خون، زندگی را به بیماران تالاسمی اهدا کنند.